تحلیل پیوند و روابط حکومت پهلوی و رژیم صهیونیستی در گفت‌وگوی «ایران» با دکتر موسی حقانی مدیر پژوهشکده تاریخ معاصر

پیوند اسرائیل و پهلوی علیه ایران

گفت و گو

مریم السادات حسینی/ تاریخ خاورمیانه در دوران معاصر با اشغالگری اسرائیل و منازعاتی که این رژیم در منطقه برپا ساخته، پیوند خورده است. در ابتدای تأسیس این رژیم نامشروع، کشورهای اسلامی و ملل مسلمان آن را به رسمیت نشناختند. در چنین شرایطی این رژیم غاصب بیش از هر چیز به متحدی غیرعرب در منطقه نیاز داشت تا بتواند در برابر جبهه اعراب خود را تقویت کند. ایران پهلوی بهترین گزینه برای منافع اسرائیل در این دوران بود؛ چرا که کاملاً وابسته به امریکا بود و امریکا نیز امنیت خود را با موجودیت و امنیت رژیم اسرائیل گره زده بود. از این جهت رژیم پهلوی در راستای وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به امریکا، به بزرگترین متحد و تأمین کننده منافع اسرائیل در منطقه تبدیل شد. این در حالی بود که ایران، نه تنها منفعت یکسانی از این رابطه نمی‌برد بلکه با پیامدهای این ارتباط مخرب حتی تا امروز نیز درگیر است. در همین راستا و در جهت تحلیل و ارزیابی روابط ایران و اسرائیل در دوره پهلوی و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران با دکتر موسی حقانی ریاست پژوهشکده تاریخ معاصر به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

رژیم پهلوی در اسفند ۱۳۲۸، حدود یک سال و نیم بعد از اعلام موجودیت اسرائیل، آن را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت و پس از آن بویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روابط رژیم پهلوی و اسرائیل قوت بیشتری یافت. این ارتباط به چه دلایلی صورت گرفت و چه نقشی در خروج اسرائیل از انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی داشت؟

رژیم اسرائیل ماهیتاً در منطقه‌ای توسط انگلستان و غرب ایجاد شد که قلب سرزمین‌های اسلامی محسوب می‌شد. مسلم است که اسرائیل برای نقش آفرینی در چنین منطقه‌ای نیاز به متحدان و دوستانی در همین منطقه داشت. دکترین میثاق حاشیه‌ای بن گورین، نخست‌وزیر اسرائیل، نیز بر همین نکته تأکید داشت که در محاصره کشورهای عربی منطقه که دشمنان اسرائیل هستند؛ باید در پی ارتباط و ایجاد اتحاد با کشورهای غیرعربی منطقه باشیم. هیچ کشور عربی در ابتدا اسرائیل را شناسایی نکرد و همه مخالف موجودیت رژیم اشغالگر قدس در مرکز سرزمین‌های اسلامی بودند. ترکیه که حکومتی لاییک داشت نخستین کشوری بود که وارد ارتباط با اسرائیل شد و پس از آن نیز رژیم پهلوی با آنکه کشوری مسلمان بود و در قانون اساسی به لزوم تبعیت از قوانین اسلامی تصریح شده بود به رابطه با اسرائیل روی آورد. این موفقیت بزرگی برای رژیم نامشروع اسرائیل در منطقه محسوب می‌شد. یکی از مهمترین عوامل دخیل در این شناسایی، وابستگی رژیم پهلوی به انگلستان و سپس امریکا بود. در این راستا حکومت پهلوی یکی از بازوهای تشکیل کشور یهود در منطقه گردید. تا آنجا که بعد از کودتای ۱۲۹۹ ایران تبدیل به مرکز مهم انتقال و ترانزیت یهودیان منطقه به فلسطین جهت توطن شد. بنابراین رژیم پهلوی به لحاظ وجودی، با صهیونیسم در پیوند بود چون موجودیت آن وابسته به امریکا بود و هرچه این وابستگی به امریکا بیشتر می‌شد پیوند با صهیونیسم بیشتر جلوه‌گر می‌شد؛ چنانکه بعد از کودتای ۱۳۳۲، ترانزیت یهودیان روسیه و ماوراءالنهر به فلسطین از ایران تشدید شد. پیش از آن نیز امریکا اصرار داشت تا ایران، اسرائیل را در منطقه به رسمیت بشناسد و در سفری که شاه در ۱۳۲۸ به امریکا داشت دادن وام به رژیم پهلوی را منوط به شناسایی اسرائیل نموده بود. سرانجام با رشوه کلانی که به ساعد نخست‌وزیر ایران دادند موجودیت اسرائیل به صورت بالفعل توسط رژیم پهلوی شناسایی شد و چنین شد که اسرائیلی‌ها به یک امتیاز راهبردی در این دوران حساس در منطقه دست یافتند. آنها هنوز فرات را فتح نکرده، در ماوراء فرات به یک پایگاه مهم امنیتی دست یافته بودند. پایگاهی که امکان رصد و دستیابی آنها به اطلاعات امنیتی منطقه را ممکن می‌ساخت و چنین فرصتی از سوی حکومت پهلوی برای آنان فراهم شد.

> هیچ کشور عربی در ابتدا اسرائیل را شناسایی نکرد و همه مخالف موجودیت رژیم اشغالگر قدس در مرکز سرزمین‌های اسلامی بودند. ترکیه که حکومتی لاییک داشت نخستین کشوری بود که وارد ارتباط با اسرائیل شد و پس از آن نیز رژیم پهلوی با آنکه کشوری مسلمان بود و در قانون اساسی به لزوم تبعیت از قوانین اسلامی تصریح شده بود به رابطه با اسرائیل روی آورد. این موفقیت بزرگی برای رژیم نامشروع اسرائیل در منطقه محسوب می‌شد

در ارتباط با پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در منطقه، با توجه به فقدان عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری اسرائیل از تهدیدات امنیتی، بدست آوردن این پایگاه‌ها در ایران چه منافعی برای اسرائیل داشت و ارتباطات امنیتی و اطلاعاتی ایران و اسرائیل در چه حوزه‌هایی برقرار شد؟

مسلماً انعقاد پیمان‌های امنیتی و اطلاعاتی میان دو رژیم، بیانگر اوج روابط حسنه است. پیمان‌های امنیتی به لحاظ راهبردی، نشان دهنده درهم تنیدگی منافع است. از این جهت در دهه ۱۳۳۰ شاهد حضور موساد در ایران و فعالیت‌های اطلاعاتی آن بویژه در مناطق مرزی ایران هستیم. در واقع ایران برایشان یک ظرفیت مهم برای دستیابی به اطلاعات منطقه بود. در این راستا پیمان‌های همکاری پنهانی بین دستگاه‌های اطلاعاتی دو کشور بسته شد. یکی از این طرح‌های همکاری، طرح کریستال بود که در سال ۱۳۴۵ ساواک در همکاری با موساد شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی در مرز با کشورهای عربی بویژه عراق ایجاد می‌کند. یکی از این شبکه‌ها، شبکه شمال یا کردستان بود که مسئولیت کسب اطلاعات از کردهای عراق را داشت. خانواده بارزانی مسئول این ارتباط بودند. این شبکه اکنون نیز در اقلیم کردستان همچنان فعال است و حرکت‌های تجزیه‌طلبانه کردها را در منطقه دنبال می‌کند. ایجاد یک کردستان مستقل و غیرعربی و متحد اسرائیل همواره از اهداف اسرائیل در منطقه بوده است. همین شبکه، پایگاهی نیز در جنوب با مرکزیت آبادان ایجاد نمود که ضمن کسب اطلاعات نظامی از عراق، یهودیان عراقی را برای مهاجرت به اسرائیل سازماندهی و ترانزیت می‌نمود. اینها همچنین پایگاهی نیز در ایلام ایجاد نمودند. بنابراین طبق طرح کریستال شبکه‌ای از سه پایگاه مرزی در کردستان، جنوب و ایلام شکل گرفت. این پایگاه‌ها علاوه بر جاسوسی و ترانزیت یهودیان، به جذب نیروی اطلاعاتی از کشورهای عربی منطقه چون بحرین، عراق و عربستان و ایران نیز مشغول بودند؛ به طوری که توانستند ۳۰۰ مأمور برجسته از این کشورها تربیت کنند و در سال ۱۳۴۶ این شبکه به اسرائیل منتقل شد. مئیر عزری و یعقوب نیمرودی در خاطرات خود تصریح کرده‌اند که اگر دنیا بفهمد ما در خاک ایران چه عملیات‌هایی کرده‌ایم شگفت‌زده خواهد شد.

بجز کریستال، پیمان «نیزه سه سر» نیز با همکاری موساد و ساواک و سازمان اطلاعات ترکیه برای تبادل اطلاعات مرزی و جاسوسی در همین مناطق ایجاد شد. پیمان دیگری که در همین راستا برقرار می‌شود، پیمان عقاب است که بین ساواک، موساد و دستگاه امنیتی اتیوپی در جنوب آفریقا بسته می‌شود تا بتوانند مصر و کشورهای عربی آفریقایی را رصد اطلاعاتی و امنیتی نمایند. بنابراین سه کانون ایران پهلوی، ترکیه و اتیوپی به متحدان پیرامونی اسرائیل تبدیل می‌شوند که بتوانند تمام کشورهای اسلامی از آفریقا تا غرب آسیا را تحت پوشش اطلاعاتی خود قرار دهند.

نقش کمیته زیتون در این ارتباطات امنیتی و اطلاعاتی چه بود؟

همه روابط امنیتی و اطلاعاتی بین اسرائیل و ساواک ایران، بواسطه کمیته زیتون انجام می‌گرفت. در واقع کمیته زیتون سازمان اطلاعاتی موساد در ایران بود. نکته قابل توجه اینکه این روابط کاملاً سری بود و حتی اشخاص رده بالا با اسامی مستعار معرفی می‌شدند و حتی نیروهای ساواک نیز دسترسی محدودی به اطلاعات داشتند. کار کمیته زیتون، ضمن کسب اطلاعات از کشورهای همجوار بویژه عراق، آموزش و به روزرسانی تجهیزات جاسوسی ساواک، آموزش تعقیب و مراقبت برای نیروهای ساواک و اعزام نیروهای ساواک به اسرائیل برای آموزش بود که به نوعی از عمق مناسبات امنیتی ساواک و موساد حکایت دارد که با هدایت امریکا صورت می‌گرفت.

با توجه به اینکه امریکا خواهان پیوند راهبردی ایران و اسرائیل بود، نقش و منافع امریکا را در برقراری ارتباط ساواک و موساد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امنیت رژیم نامشروع اسرائیل از همان ابتدا برای امریکا و غرب حائز اهمیت بسیار بود. در همین جنایات اخیر غزه هم امریکا همچنان اعلام می‌کند که در کنار اسرائیل ایستاده است. پیش از این نیز، در دوره‌های زمانی مختلف امریکا اعلام کرده بود که امنیت اسرائیل، امنیت امریکاست. از این جهت بقا و خروج اسرائیل از انزوا، همواره از اهداف امریکا بوده است. سیا و اینتلیجنس سرویس، ساواک را راه‌اندازی کردند و سپس کنترل ساواک را به موساد سپردند. بدین وسیله امریکایی‌ها هم امنیت اسرائیل را تضمین می‌کردند هم بواسطه کنترلی که بر ساواک از سوی اسرائیل داشتند، کشورهای وابسته به بلوک شرق چون عراق و سوریه را تحت نظر و رصد اطلاعاتی داشتند؛ خصوصاً که رژیم پهلوی با این کشورها رابطه گرم و خوبی هم نداشت. اسرائیل و امریکا از این فرصت استفاده می‌کنند و ایران را در کنار رژیم اسرائیل قرار می‌دهند و نوعی ارتباط راهبردی بین ایران و اسرائیل برقرار می‌شود و شاه به عنوان متحد منطقه‌ای امریکا موظف به حمایت علنی از اسرائیل که تأمین کننده منافع و نظم مورد نظر امریکایی‌ها در غرب آسیا بود، می‌شود.

یکی از شیوه‌های اسرائیل برای تقویت این ارتباط راهبردی، توسل به پیوندهای فرهنگی ساختگی بین ایران و اسرائیل همچون داستان کوروش و قوم یهود و تأسیس مراکزی چون خانه کوروش در تل آویو بوده، نمایش این پیوند، چه منافعی برای آنها داشت و در پشت این داستان‌ها، چه نوع سیاست فرهنگی را در ایران دنبال می‌کردند؟

غربی‌ها از اواخر دوران قاجار و در طول دوران پهلوی سیاست فرهنگی مشخصی را در ایران دنبال کردند که غربی‌سازی فرهنگی و ترویج باستان‌گرایی از ارکان اصلی آن بود که این پروژه با هدف تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ایران و حذف اسلام از کانون سبک زندگی ایرانیان ایجاد شد. به قول جلال آل احمد: «در آن دوره بیست ساله (دوره رضاخان)، از ادبیات گرفته تا معماری و از مدرسه گرفته تا دانشگاه، همه مشغول زرتشتی‌بازی و هخامنشی‌بازی بودند.» اسرائیل مهمترین نقش را در این تحولات فرهنگی ایفا می‌کرد. آنها به قدرت رسیدن پهلوی اول را به عنوان ظهور کوروش دیگری در سرزمین پارس ذکر می‌کردند چون تسهیلات مهاجرت آنها به اسرائیل را فراهم کرده بود. در واقع این دستاویزهای مضحک به ظاهر فرهنگی، در اصل برای آن بود تا اینها بتوانند رابطه غیرعادی رژیم پهلوی و اسرائیل را عادی جلوه دهند. تأسیس خانه کوروش و لژهای ماسونی کوروش و شاپیتر کوروش در همین راستا بود. البته اقدامات اصلی آنها در حوزه فرهنگ و اجتماع خیلی بزرگتر از اینها بود و اقداماتی بود که به تغییرات ساختاری و بنیادی منجر شد: همچون اصلاحات ارضی و ایجاد کانون‌های اجتماعی جدید و تحمیل ارزش‌های جدید و ساختگی همچون برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله. اینها همچنین در مطبوعات ایران پایگاه‌های محکمی ایجاد نمودند و با جامعه روشنفکری وارد ارتباط شدند. اعزام روشنفکران ایرانی به اسرائیل و معرفی اسرائیل به عنوان یک الگوی توسعه و دموکراسی در منطقه، از مهمترین اهداف اصلی اینها بود. نشریاتی چون آیندگان، بامشاد و تهران مصور و امید ایران کاملاً در جهت برجسته کردن اهمیت رابطه با اسرائیل و بزرگ کردن پیروزی‌های اسرائیل در مقابله با اعراب منطقه قلم می‌زدند و گاهی چنان علنی از اسرائیل حمایت می‌کردند که خود حکومت مجبور می‌شد بواسطه نارضایتی‌های داخلی، به این نوع حمایت‌های علنی اعتراض کند. این در حالی بود که از آن سو اسرائیل در تلاش بود تا مطبوعات تابع خود را وادار به حمایت علنی از اسرائیل نماید.

همچنین طبق اسناد، بعضی از این عناصر اسرائیلی همچون «ایوب ربنو» تیم قاچاق عتیقه را با ۱۵۰۰ کارگر در ایران راه‌اندازی و هدایت می‌کردند و عتیقه‌های استخراج شده را به تل آویو می‌فرستادند؛ بطوری که تل آویو به بزرگترین مرکز فروش اشیای قاچاق متعلق به تاریخ ایران تبدیل شد. جالب اینکه فرح، همین شخصی را که وظیفه خارج نمودن عتیقه‌ها از ایران را داشت، مسئول خریدن اشیای عتیقه برای ایران می‌کند! روابط فرهنگی ما در حقیقت، همچون دیگر عرصه‌ها، روابط غارت و چپاول یکسویه و توجیهی برای وارد نمودن ایران به حلقه مناسبات امنیتی اسرائیل بوده است.

در حالی که صادرات ایران به اسرائیل تنها نفت بود، اسرائیل ایران را به بازار اسلحه و مصرف محصولات خود تبدیل کرده بود. این روند مبادلات تجاری چه منافعی برای اسرائیل و چه تبعاتی برای ایران داشت؟

رویکرد اسرائیل به ایران همواره بهره‌برداری یک سویه بوده است. ما پیش از رابطه با اسرائیل، صادرکننده محصولات کشاورزی به فلسطین بودیم اما پس از آن حتی مرغ و تخم مرغ خود را از اسرائیل وارد می‌کردیم. این نوع روابط تجاری یکسویه بیش از هر چیز چرخ اقتصاد نوپای اسرائیل را می‌چرخاند و ما را به تک محصولی شدن سوق می‌داد. صادرات نفت هم تحت سیطره کنسرسیوم نفتی و با مشارکت شرکت‌های نفتی چون رویال داچ شل بود که در حقیقت صهیونیستی بودند. وضعیت ما به جایی رسیده بود که شاه ایران وعده می‌داد که در صورت فروش بیشتر نفت، اسلحه بیشتری از اسرائیل و غرب خواهد خرید! در زمینه تکنولوژی نظامی، امریکا به هیچ وجه موافق فروش موشک به کشورهای منطقه از جمله ایران نبود. اسرائیلی‌ها نیز قراردادی با ایران برای مطالعات ساخت موشک بستند که هزینه مالی آن را ایران تأمین نمود اما در پایان با فریب، موشک را خود تولید کردند و آن را در اختیار ایران قرار ندادند. در واقع اسرائیل از سرمایه یک میلیارد دلاری ایران برای ساخت نسل جدید تسلیحات اختصاصی برای خودشان استفاده کرد.

به طور کلی سیاست امریکا وابسته نمودن اقتصاد و تسلیحات کشورهای منطقه به اسرائیل بود؛ سیاستی که تا امروز نیز در ارتباط با کشورهای متحد امریکا در منطقه، ادامه یافته است. بنابراین در همه مبادلات تجاری و نظامی، منافع اسرائیل هدف اصلی بوده است.

برش

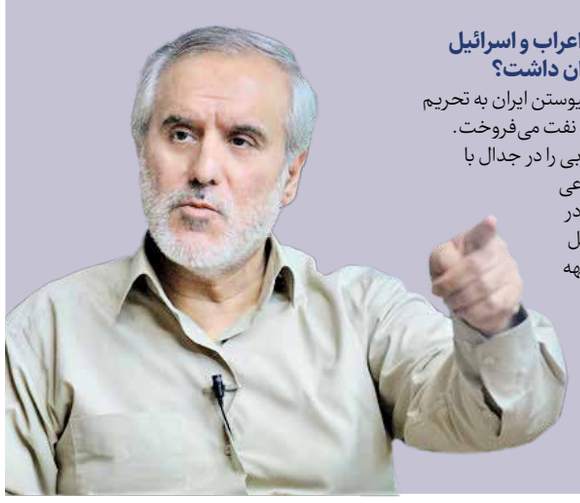

صدور نفت ایران به اسرائیل در بحبوحه منازعات اعراب و اسرائیل چه منافعی برای اسرائیل و چه پیامدهایی برای ایران داشت؟

در منازعات اعراب و اسرائیل، علی رغم فشار اعراب برای پیوستن ایران به تحریم نفتی اسرائیل، شاه ایران به طور پنهانی و آشکار به اسرائیل نفت می‌فروخت. همین مسأله موجب شد از آن زمان، ناصر بحث خلیج عربی را در جدال با شاه ایران مطرح نماید که تا به امروز هم باقی است و به نوعی به روابط خصمانه میان همسایگان ایران با ایران دامن زد؛ در حالی که سود و منافع زیادی از این خصومت نصیب اسرائیل می‌شد. محمدرضا پهلوی هر چند سعی می‌نمود ظاهراً وجهه مخالف اسرائیل به خود بگیرد اما در عمل با اقدامات اینچنینی نشان می‌داد که متحد اسرائیل در منطقه است؛ به طوری که ایران در دهه پنجاه متعهد شده بود تمام نیازهای نفتی اسرائیل را تأمین نماید وبه عنوان یکی از واسطه‌های مهم قرارداد ننگین کمپ دیوید به ایفای نقش بپردازد؛ قراردادی که کاملاً در راستای منافع اسرائیل در منطقه بود.

شماره ۵۵/۰۲/۲۰۷۳۱ – تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱
آگهی تجدید مناقصه عمومی بین‌المللی یک مرحله‌ای
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی
نوبت اول
وزارت جهاد کشاورزی
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی در نظر دارد مقدار ۵٪± ۳۰۰۰۰ × ۲ تن متریک کود شیمیایی مونو آمونیوم فسفات گرانوله (۵۲–۱۱) را از طریق برگزاری تجدید مناقصه عمومی بین‌المللی یک مرحله‌ای خریداری نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۳ تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۱ (۷ روز کاری) با در دست داشتن معرفی‌نامه و ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ ریال در وجه شرکت خدمات حمایتی کشاورزی به شماره حساب ۴۰۰۱۰۳۹۷۰۴۰۰۵۷۹۱ (به شماره شبا IR۲۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۷۰۴۰۰۵۷۹۱ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت شناسه شماره ۶ ۳۵۸۰۳۹۷۸۲۲۶۳۵۰۰۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶ از طریق دستور پرداخت ساتنا یا پایا به نام شرکت خدمات حمایتی کشاورزی به آدرس تهران – خیابان گاندی – کوچه چهارم – شماره ۱ – طبقه نهم – دفتر کمیسیون معاملات مراجعه نمایند.
ضمنا آخرین مهلت ارائه پیشنهادات تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲ به اداره حراست شرکت واقع در طبقه هشتم به آدرس فوق الاشاره می‌باشد. بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی نیز در روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳ هجری شمسی رأس ساعت ۱۴ در آدرس فوق‌الذکر خواهد بود.
ارزش تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:
۱ ارزش تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌مبلغ ۳۲۵۰۰۰ یورو یا معادل آن به هر ارز دیگری به غیر از دلار آمریکا براساس نرخ حواله کالاهای اساسی و ضروری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سامانه معاملات الکترونیکی ارز (ETS) به آدرس www.fxmarketrate.cbi.ir در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۱۴ برای هر محموله ۵٪± ۳۰۰۰۰ تنی به‌صورت تضمین بانکی باشد.
۲ شرکت پیشنهاددهنده در مناقصه مجاز می‌باشد تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار را به‌صورت ریالی نیز مستقر نماید. مبلغ ۹۹۴۰۵۲۳۶۸۸۰ ریال برای هر محموله ۵٪± ۳۰۰۰۰ تنی، می‌بایست صرفاً توسط پیشنهاددهندگان ارائه گردد.
۳ شرکت پیشنهاد دهنده مجاز می‌باشد از مطالبات قبلی و قطعی خود نزد این شرکت به‌عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار، پس از تأیید مدیر مالی این شرکت، استفاده نماید.
جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید ضمن تماس با شماره تلفن ۸۸۷۷۶۳۲۵ به آدرس اینترنتی شرکت www.assc.ir آدرس پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir نیز مراجعه فرمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

فراخوان مناقصه عمومی
نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران – شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب (سهامی خاص)
توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً به‌صورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir می‌باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۲/۰۲۷۰ مربوط به احداث جاده و محل چاه غرب ۲۲۳ شمال (ب) منصوری (پسماند)
● الف– شرح مختصر خدمات: عملیات تخریب، تسطیح و کوبیدن بستر، عملیات خاکی، اجرای قشر مخلوط رودخانه‌ای و تثبیت با آهک، شن‌ریزی، تسطیح و رگلاژ، خاکبرداری و خاک‌ریزی، اجرای قشر زیر اساس و شفته آهک، ساختمان پی دستگاه حفاری، دیوار سنگی سمت ۱۷متری، احداث گودال بتنی/ بلوکی آبگل، لوله‌کشی آب و گاز، ساخت و نصب مهارهای لوله گاز، سیتیک، محل احداث مخازن سوخت و موتور برق، حصار محوطه چاه، احداث ابرواژ لوله بتن مسلح، تجهیز و برچیدن کارگاه
● ب– محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات در ۲۰ کیلومتری منصوری و مدت انجام آن ۷ ماه می‌باشد.
● ج– برآورد کارفرما: برآورد کارفرما جهت انجام خدمات ۱۵۷،۸۸۹،۵۳۷،۷۸۷ ریال و تعدیل‌پذیر می‌باشد.
● د– شرایط مناقصه‌گران متقاضی
◄ داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
◄ مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری – در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، اولویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد. – داشتن گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی – داشتن گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامی است. و همچنین اصالت گواهی نامه مذکور ارائه گردیده می‌بایست در سایت www.mcls.gov.ir رؤیت گردد. عدم ارائه یا رؤیت گواهی نامه صلاحیت ایمنی به‌منزله حذف از مناقصه می‌باشد.
توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌مبلغ ۷،۸۹۴،۴۷۶،۸۸۹ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:
● الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر به‌شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران – اهواز کد «حساب – به‌نام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
● ب: ارائه ضمانت‌نامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰ روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
◄ توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) به‌عنوان تضمین انجام تعهدات– ارائه یک نسخه تأیید شده از صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی الزامی است. (مبنای پذیرش درخصوص هر گونه گزارش حسابرسی صورت‌های مالی، بارگذاری گزارش مذکور از طریق سایت جامع حسابداران رسمی ایران (قابل استعلام در وبگاه www.iacpa.ir) با قابلیت مشاهده در سامانه پردیس می‌باشد)
مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به‌صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
● هـ– محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران: از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۴ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی ساده) بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به‌عمل آید.
۱ مهلت اعلام آمادگی: به‌صورت الکترونیکی (غیرحضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۲ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۱
۲ مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۷،۶۱۶،۰۰۰ ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadiran.ir
● محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۸:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۲ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.
همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ اصل تضمین مذکور را به‌صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز – کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند.
هم‌زمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.
◄ تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تأسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.
امور حقوقی و قراردادها – شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
www.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir